





دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد مرودشت  
دانشکده کشاورزی - بخش اقتصاد

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.Sc)  
گرایش: اقتصاد کشاورزی

عنوان

عوامل موثر بر دسترسی به اعتبارات و اثر آن بر تولید (مطالعه موردی استان فارس)

استاد راهنما  
دکتر سید نعمت الله موسوی  
استاد مشاور  
دکتر بهالدین نجفی

نگارش  
مینا غلامی

پاییز ۱۳۹۱

تقدیم به استاد شرافت و انسانیت. به او که آسایشش را به بهای تحقق یافتن آرزوهای ما نادیده گرفت. به او که لحظه به لحظه زندگی پربارش سرشار از عشق و محبت و ایثار است. به او که با صبوری تمام، در لحظات سخت زندگی اجازه داد به شانه هایش تکیه کنم. تقدیم به او، به پدرم. باشد که به خواست خداوند، سالیان سال از سایه ی حمایتگر و تجربیات ارزشمندش بهره برم. و تقدیم به مادر عزیزم که تمامی واژه ها در بیان مهربانی هایت قاصرند.

مینا غلامی

## سپاسگزاری

از تمامی اساتید محترم و گرامی که با زحمات گران قدرشان یاری دهنده من در این تلاش بوده اند و همچنین تشویق های آنان که موجب دلگرمی من شده است سپاسگزاری می نمایم.

چکیده :

سرمایه به سبب قابلیت تبدیل شدن به دیگر عوامل، در فرایند تولید نقش بسیار مهمی دارد. همچنین به کارگیری صحیح سرمایه و ترکیب آن با سایر نهاده ها باعث افزایش بهره وری عوامل تولید می شود. از آنجا که سرمایه امکان به کارگیری نهاده های کافی و مناسب را برای تولید ایجاد میکند، ضرورت تشکیل سرمایه و تأمین آن امری بدیهی است. در بخش کشاورزی استان فارس، به علت وجود تنگناهای ساختاری و کمبود امکانات مورد نیاز کشاورزان، مسائل مربوط به سرمایه و سرمایه گذاری اهمیت بیشتری دارد. در این مطالعه با بررسی ۱۸۰ بهره بردار کشاورزی در استان فارس، با استفاده از مدل توبیت عوامل مؤثر بر دسترسی به اعتبارات کشاورزی و نقش این اعتبارات در تولید کشاورزی تحلیل شده است. نتایج نشان می دهد که عواملی مثل سطح زیرکشت، تعداد نیروی کار خانوار، داشتن پس انداز در بانک بر دسترسی به اعتبارات کشاورزی مؤثر است و اعتبارات نیز نقش مثبتی در تولید دارد. در پایان هم با توجه به نتایج مطالعه، پیشنهادهایی ارائه شده است.

کلمات کلیدی :

اعتبارات بخش کشاورزی، عوامل مؤثر بر تولید بخش کشاورزی، استان فارس، مدل توبیت

## فهرست منابع

### فصل اول

- ۱ مقدمه و پیشینه ..... ۱
- ۱-۱ مقدمه ..... ۲
- ۱-۲ اهداف ..... ۱۲
- ۱-۳ فرضیه ها ..... ۱۲
- ۱-۴ مروری بر مطالعات ..... ۱۳

### فصل دوم

- ۲ مبانی نظری و روش تحقیق ..... ۱۸
- ۲-۱ مواد و روش ها ..... ۱۹

### فصل سوم

- ۳ نتایج و بحث ..... ۲۹
- ۳-۱ نتایج و بحث ..... ۳۰
- ۳-۲ شهرستان مرودشت ..... ۳۲
- ۳-۳ شهرستان جهرم ..... ۳۷
- ۳-۴ شهرستان داراب ..... ۴۲

۴۷ ..... ۵-۳ استان فارس

۵۱ ..... ۶-۳ نتیجه گیری

۵۳ ..... ۷-۳ پیشنهادات

۵۴ ..... ۸-۳ منابع

## فهرست جداول

- ۱-۱ جدول اعتبارات استان فارس..... ۱۱
- ۱-۳ جدول ضرایب مدل توبیت در شهرستان مرودشت..... ۳۲
- ۲-۳ جدول تابع تولید شهرستان مرودشت..... ۳۴
- ۳-۳ جدول تابع تولید در مدل رگرسیون خودتنظیم در شهرستان مرودشت..... ۳۵
- ۴-۳ جدول ضرایب مدل توبیت در شهرستان جهرم..... ۳۷
- ۵-۳ جدول تابع تولید شهرستان جهرم..... ۳۹
- ۶-۳ جدول تابع تولید در مدل رگرسیون خودتنظیم در شهرستان جهرم..... ۴۰
- ۷-۳ جدول ضرایب مدل توبیت در شهرستان داراب..... ۴۲
- ۸-۳ جدول تابع تولید شهرستان داراب..... ۴۴
- ۹-۳ جدول تابع تولید در مدل رگرسیون خودتنظیم در شهرستان داراب..... ۴۵
- ۱۰-۳ جدول ضرایب مدل توبیت در شهرستان استان..... ۴۷
- ۱۱-۳ جدول تابع تولید شهرستان استان..... ۴۹
- ۱۲-۳ جدول تابع تولید در مدل رگرسیون خودتنظیم در شهرستان استان..... ۵۰



# فصل اول

مقدمه و پیشینه

بخش کشاورزی ایران با اینکه از نظر تولید همواره یکی از بخشهای مهم اقتصاد کشور محسوب می شود، میزان تشکیل سرمایه در آن در مقایسه با عملکرد و ظرفیتهای این بخش و نیز در مقایسه با سایر بخشها قابل توجه نبوده است. لذا گذار موفقیت آمیز بخش کشاورزی از وضعیت کشاورزی دهقانی و سنتی به کشاورزی تجاری و مدرن، خصوصاً پس از اجرای اصلاحات ارضی در ایران و تبدیل رعایا به خرده مالکان، نیاز به سرمایه گذاری بیشتر بخصوص سرمایه گذاری برای ارتقای فنی را آشکار می سازد. یکی از مهمترین عواملی که به عنوان عامل بازدارنده در مسیر کاربرد و پذیرش فناوریهای جدید توسط کشاورزان کوچک و انتقال کشاورزی سنتی به پیشرفته پیش بینی شده و مورد تایید سیاستگذاران توسعه قرار گرفته، کمبود سرمایه و اعتبار بوده است (باقری، ۱۳۸۰).

یکی از موسساتی که نقش مهمی در تأمین مالی بخش کشاورزی به عهده دارد بانک کشاورزی است. بطور کلی عملکرد بانکهای کشاورزی در کشورهای در حال توسعه حاکی از آن است که این بانکها دارای نقش موثری بوده و باعث تقویت بنیه مالی کشاورزان شده اند (کرمی، ۱۳۷۹).

با بهره گیری صحیح از اهرم اعتبارات می توان جریان تصمیم گیری فعالیت بخش خصوصی را در راستای برنامه ها و سیاست های دولت سوق داد. لذا بانک کشاورزی باید مانند ابزاری جهت فعالیت های مستقیم دولت در امر سرمایه گذاری های ضروری برای تقویت بنیه کشاورزی کشور باشد. با وجود تاکید همیشگی بر اهمیت بازار مالی در توسعه کشاورزی، تأمین سرمایه از منابع دولتی و نظام بانکی با مشکلات خاصی مواجه است. به همین دلیل سیاستگذاران و تصمیم گیران در تعیین راهبردها و راهکارهای مرتبط با آن باید بر

استفاده از ابزارهای در دسترس و کارآمد و اعتبارات میان مدت و بلندمدت تأکید بیشتری نمایند که ریسک و هزینه های مبادله کمتری داشته باشند. افزایش درآمد و پس انداز دو عامل مهم برای افزایش سرمایه گذاری در مناطق روستایی است و عامل سومی که بر سرمایه گذاری در بخش کشاورزی موثر است، میزان اعتبارات رسمی و غیر رسمی می باشد. امروزه در راهبردهای تأمین مالی روستایی بیشتر بر اعتبار و پس انداز برای تولید کشاورزی و غیر کشاورزی تأکید می شود. از سوی دیگر، کشاورزان می توانند اعتبار مورد نیاز خود را از بخش رسمی (موسسات مالی دولتی و بانکهای تجاری) و بخش غیررسمی (وامدهندگان خصوصی) به دست آورند، اما در عمل دسترسی به اعتبارات از موسسات رسمی نظیر بانکهای تجاری برای کشاورزان کوچک مقیاس که با محدودیت شدید مالی مواجه می باشند محدود است (قربانی، ۱۳۸۴).

به باور بسیاری از اقتصاد دانان وجود یک بخش کشاورزی پیشرو و نیرومند از ضروریات توسعه اقتصادی است. در هر شرایطی توسعه بخش کشاورزی پیش شرط توسعه اقتصادی کشور است و تا زمانی که موانع توسعه این بخش برطرف نشود سایر بخشها نیز به شکوفایی، رشد و توسعه دست نخواهند یافت ( درویشی ، ۱۳۷۳).

در مورد تأثیر اعتبارات و تسهیلات بانکی بر سرمایه گذاری خصوصی در قالب نظریه های سیاست پولی اقتصاد کلان تردیدی وجود ندارد و نقش سیاست پولی در تشویق سرمایه گذاری خصوصی حائز اهمیت است. برای این منظور از طریق ایجاد تسهیلات لازم در زمینه افزایش حجم پول و کاهش هزینه های سرمایه گذاری، مانند تغییر در نرخ ذخیره قانونی و نرخ تنزیل مجدد، سرمایه گذاری اقتصاد افزایش می یابد (برانسون، ۱۳۷۸).

در عصر حاضر در پی تکامل و پیشرفت علوم و صنایع ، بهره برداری اقتصادی از مزارع از طریق روشهای نو در کشاورزی، استفاده از فنون جدید و احداث ساختمانهای مناسب و سالم با بهره گیری از اصول بهداشتی جهت توسعه فعالیتهای دام و طیور و کشاورزی مستلزم هزینه سنگینی است که برای تأمین این گونه مخارج باید از اعتبارات کشاورزی سود برد (نوراد، ۱۳۴۵).

تولید در کشاورزی وابسته به وجود نهاده های مختلفی مانند زمین، آب، ماشین آلات، بذر، کود، سم و غیره است که بکارگیری این عوامل نیازمند سرمایه و نقدینگی لازم میباشد. به عبارت دیگر سرمایه یا اعتبار از مولفه هایی است که کشاورزان و تولیدکنندگان روستایی برای کسب و کار و تولید محصول به آن نیاز دارند ( فریمانی، ۱۳۸۴ ).

یکی از دلایل کمبود سرمایه گذاری در بخش کشاورزی کمبود سرمایه میباشد که توسط چرخه بسته فقر تعیین میشود. اعتبارات این چرخه بسته را باز و به رشد بخش کمک میکند. به طور کلی، در اقتصاد کلاسیک اهمیت سرمایه در مجموعه نهاده های تولید بدان جهت است که موجبات افزایش بهره وری عوامل تولید را فراهم می آورد (قربانی، ۱۳۸۴).

موضوع اعتبارات در توسعه کشاورزی و ارتباط آن با کشاورزان خرد، طی دو دهه گذشته در کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. به نحوی که از آن به عنوان یکی از نهاده های حمایتی - پشتیبانی تولید محصولات کشاورزی نام برده می شود که با محدودیت مواجه می باشد. فراهم ساختن اعتبارات گامی اساسی در جهت بهبود سطح تولید و تشویق کشاورزان به سرمایه گذاری به ویژه در فناوری های نوین ارتقاء دهنده بهره وری و کاهش هزینه تولید محسوب می شود. فراهم ساختن اعتبارات، گامی اساسی در جهت بهبود سطح تولید و تشویق کشاورزان به سرمایه گذاری تلقی میگردد. در صورت فقدان یا کمبود اعتبارات لازم، به دلیل ماهیت فصلی بودن کشاورزی، کشاورز به اجبار باید مقداری از درآمد خود را که پس از فصل برداشت حاصل شود، برای تأمین هزینه های تولید پس انداز کند. در چنین شرایطی مصرف و سرمایه گذاری کاهش پیدا کرده و از قدرت سرمایه گذاری کشاورز در زیرساخت های کشاورزی کاسته خواهد شد. بنابراین پرداختهای اعتباری کوتاه مدت برای تأمین هزینه های جاری و اعتبارات متوسط و بلندمدت در تأمین امکانات سرمایه گذاری زیربنایی کشاورزان نقش اساسی دارد ( کوپاهی، ۱۳۷۲ ).

در نگاهی دیگر به این موضوع، به این نظریه باید توجه کرد که کشاورزان فقیر در کشورهای در حال توسعه برای افزایش سطح تولید و بهبود بخشیدن به سطح زندگی خود، اصولاً منابع مالی لازم را در اختیار ندارند. یکی از راه های حذف این مانع، استفاده از اعتبارات کوچک مقیاس است بر این اساس اعتبارات و موسسات

اعتباری یک ابزار مهم و ضروری در جهت ایجاد تسهیلات لازم به منظور کسب فناوری مناسب و سرمایه گذاری در کشاورزی و بهبود سطح زندگی محسوب میشود. بنابراین انتظار میرود در صورتی که موسسات اعتباری تسهیلات خود را به موقع و به صورت بهینه در اختیار کشاورزان قرار دهند، تولیدکنندگان بتوانند از وام دریافتی استفاده بهینه نمایند و درآمد خود را افزایش دهند. موضوع اعتبارات کشاورزی یکی از مسایل مهم کشاورزی میباشد که لازم است در نحوه توزیع و به کارگیری آن دقت و ظرافت کامل به کار گرفته شود تا هر چه بیشتر در شکوفایی اقتصاد و توسعه کشاورزی و در بالا بردن سطح درآمد کشاورزان و بهبود وضع زندگی آنها مفید و موثر واقع شود. همچنین با توجه به رشد سریع جمعیت روستایی و تخصصی شدن تولیدات کشاورزی، تقاضا برای خدمات مالی روز به روز افزایش می یابد. بنابراین بهبود بازار مالی روستایی نیاز ضروری برای حمایت کارا از توسعه کشاورزی میباشد. نظام اعتباری کارا و موفق میتواند با تأمین و تعیین مسیر توزیع مناسب اعتبارات، نقش موثری در روند توسعه کشاورزی داشته باشد. بازارهای اعتبارات ارزشی را از طریق بکارگیری وامها ایجاد میکنند. اطلاعات نامتقارن سبب می شود تا قرض دهندگان مجبور به انتخاب افرادی شوند که احتمال بیشتری برای بازپرداخت دارند. در واقع اطلاعات ناقص سبب شود تا بازارهای اعتباری نتوانند خوب عمل کنند. به همین دلیل نوبت بندی و سهمیه بندی، جیره بندی اعتبارات مطرح میشود، یعنی کشاورزان در برخی از مناطق و یا در برخی از دوره های زمانی ممکن است به طور محدود به اعتبار دسترسی داشته باشند ( Rogg, ۲۰۰۲).

کمبود سرمایه گذاری در بخش کشاورزی موجب شده که این بخش جهت تامین منابع مالی مورد نیاز به تسهیلات اعطایی از سوی سیستم بانکی متکی شود. از سوی دیگر کنترل قیمت کالاهای کشاورزی با توجه به سیاست های متخذه از سوی دولت به جهت حمایت از مصرف کننده موجب شده است که در این بخش سودآوری و انباشت سرمایه در حد سایر بخشهای اقتصادی نباشد، لذا منابع مالی مورد نیاز برای بخش کشاورزی که در طی سال های گذشته غالباً از طریق منابع یارانه بانکی تامین شده در سیاستهای یکسان سازی نرخ سود بانک ها به طور اخص دیده نشده است و در این ارتباط نیاز به ایجاد موسسه مالی و اعتباری صرفاً حمایتی در بخش تامین منابع مالی کشاورزان تحت عنوان بانک توسعه کشاورزی و بانک تعاون

کشاورزی با استفاده از منابع ارزان دولتی میباید. اگرچه سیستم بانکی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اقدام به اعطاء تسهیلات در بخش سلف، خرید دام و... به طور عام نموده اند، لیکن از ابتدا به دلیل عدم برنامه ریزی مشخص در این حوزه ها، اکثر تسهیلات دریافتی صرف هزینه های جاری کشاورزان و یا سایر هزینه های غیر بخش کشاورزی شده است و در این ارتباط نیاز به بهبود و اصلاح سیستم اعتباری به این شرح می باشد ۱- پرداخت اعتبارات بایستی هماهنگ با تقویم زراعی منطقه صورت گیرد؛ ۲- کنترل و نظارت دقیق بر تخصیص اعتبارات ضروری است تا اعتبارات تخصیص یافته جهت کارآیی و گسترش فعالیت تولیدی مورد استفاده قرار گیرد؛ ۳- برقراری یک نظام هماهنگ اعتباری لازم میباید، به طوری که اعتبارات بخش کشاورزی از یک کانال مشخص مدیریت توزیع شود؛ ۴- اختصاص منابع لازم از طریق بودجه عمومی کشور به صورت سالانه در جهت تامین منابع مالی بخش کشاورزی صورت یابد؛ ۵- انعقاد قراردادهای بانکی در جهت اجرای پروژه های زیربنایی بخش کشاورزی، چنان چه زمینه استفاده بهینه از عوامل تولید فراهم نباشد اعتبارات بانکی به تنهایی نمی تواند اهداف توسعه کشاورزی را تحقق بخشد و افزایش کمی آن بایستی توأم با رفع مشکلات ساختاری این بخش صورت گیرد. اما به دلیل عدم وجود مناسبات مدرن، اندیشه های نو و پیوند کارا بین بخش تولید، توزیع و بازار محصولات کشاورزی همواره نظام تجاری بخش کشاورزی دستخوش رفتارهای سلیقه ای قرار گرفته است و چه بسا فقدان برنامه های مدون و سازمان یافته در عرصه تجارت محصولات کشاورزی صدور اکثر محصولات به صورت مواد خام انجام می گیرد و در این زمینه نیاز به ارتقاء سطح کیفیت محصولات، بسته بندی مناسب، شبکه حمل و نقل سریع، برخورداری از استانداردهای بین المللی و همچنین تبلیغات در عرصه جهانی است که در این صورت می توان به رشد مداوم محصولات کشاورزی به شکل خام و فرآوری شده و در پی آن افزایش سطح اشتغال، سرمایه گذاری و ظرفیت تولید در بخش کشاورزی و کل اقتصاد امید داشت (معصومی و اصغرزاده، ۱۳۸۴).

فصلی بودن تولیدات کشاورزی همواره یک خلا موقت بین دخل و خرج کشاورزان ایجاد می کند. اعتبارات از سه منبع زیر تامین می شود. ۱- پس انداز شخصی یا قرض از همسایگان، ۲- دولت و بودجه عمومی،

۳- نظام بانکی و یا به عبارت بهتر اعتبارات کشاورزی، به دلیل پایین بودن سطح تولید و درآمد سرانه کشاورزان، امکان پس انداز آنها کم و لذا امکان سرمایه گذاری از این محل برای خرید نهاده های مدرن است. منابع مربوط به بودجه دولت نیز علاوه بر محدودیت های موجود؛ بیشتر به امور زیربنایی اختصاص می یابد. در چنین فضایی و با وجود محدودیتهای فوق، نقش اعتبارات نظام بانکی در تامین مالی سرمایه گذاری های کشاورزان اهمیت فراوان دارد، زیرا این اعتبارات می تواند مکمل پس اندازها و سرمایه های محدود کشاورزان باشد (باقری، ۱۳۸۰).

عموماً در کشورهای در حال توسعه خانوارهای روستایی به دلیل کمبود درآمد های سالانه دارای پس اندازهای در خور توجهی برای تأمین مالی فعالیتهای خود نیستند و به ناچار مجبورند برای تأمین بخشی از نیازهای مالی خود به منابع اعتباری رسمی و غیر رسمی روی آورند. منابع اعتباری رسمی در اقتصاد روستایی عمدتاً سه نوع است:

۱- بانکهای تجاری: بانکهایی است که برای ارائه وام معیارهای خاصی همانند وثیقه و تضمین دارد. در بیشتر مواقع این امر باعث می شود کشاورزان نتوانند براحتی اعتبار و وام مورد نیاز خود را در زمان مناسب دریافت کنند و در نتیجه برای تأمین نیاز مالی خود به ناچار به منابع غیر رسمی و یا رسمی دیگر روی آورند.

۲- بانکهای تخصصی کشاورزی: این بانکها با این هدف تشکیل شده است که ناتوانی بانکهای تجاری را در ارائه خدمات کافی به کشاورزان جبران کند. عملیات این بانکها در صورت کارا بودن می تواند آثار فراوانی بر کشاورزی داشته باشد و یا برعکس.

۳- بخش مردمی: شامل صندوقهای قرض الحسنه است که منابع اعتباری آن کشاورزان را در تأمین مالی خود یاری می دهد.

منابع غیررسمی وام به منابعی بجز دولت و بانکها اطلاق می شود که عمدتاً شامل موارد زیر است (طالب، ۱۳۷۲)

۱- دکاندارن شهری یا تجار محلی

۲- سلف خران

۳-مالکان

۴-صاحبان داراییهای سرمایه ای مانند تراکتور و...

۵-دوستان و خویشان

۶-رباخواران و نزول خواران

۷-سایر افراد ثروتمند

عموماً نرخهای سود وام و اعتبار در بخشهای غیررسمی بالاست و بنابراین کشاورز مجبور است که حاصل دسترنج خود را به منظور بازپرداخت اصل و فرع وامهای غیررسمی پرداخت کند. حاصل این فرایند چیزی جز کاهش درآمدهای کشاورزان و ضعف منابع مالی آنان برای شروع تولید مجدد نخواهد بود. در صورتی که نظام مالی کارامدی وجود داشته باشد، کشاورز مجبور نمی شود برای تأمین اعتبار به منابع غیررسمی مراجعه کند و مشکلات فراوانی را متحمل شود. در فرایند تأمین اعتبار بخش کشاورزی در ایران، بانک کشاورزی اهمیت ویژه ای دارد. این بانک که از ادغام بانک تعاون کشاورزی و بانک توسعه کشاورزی ایران به وجود آمده است با هدف حمایت مالی از کشاورزان خرده پا به فعالیت می پردازد. از نظر آماری، اطلاعات موجود نشان می دهد که در طول زمان سهم مهمی از اعتبارت پرداختی به بخش کشاورزی را بانک کشاورزی از آن خود کرده است (طالب، ۱۳۷۲).

اعتبارات بانکی برحسب اولویتهای اهداف توسعه به فعالیتهای مختلف اقتصادی اختصاص می یابد که بخش کشاورزی نیز از این اعتبارت برای توسعه تولید، سرمایه گذاری و در نهایت اشتغال بهره می گیرد. بیشترین اعتبارت بانکی بخش کشاورزی، بیش از ۵۰ درصد آن توسط بانک کشاورزی تأمین مالی می شود. که نقش عمده ای در گزینه های تأمین مالی کشاورز دارد و لذا در صورت عملکرد مناسب می تواند تأثیرات مثبت و مهمی براین بخش اقتصادی از نظر تولید، درآمد، سرمایه گذاری و اشتغال داشته باشد. گرچه در ادبیات توسعه بارها به این مطلب اشاره شده که در روند توسعه از اشتغال بخش کشاورزی کاسته و مازاد نیروی کار این بخش به بخشهای صنعت و خدمات منتقل شده است، اما باید به این نکته توجه کرد که این مطلب در شرایطی صادق است که از همه امکانات موجود استفاده کامل شود (قره باغیان، ۱۳۷۱).



گیرندگان تسهیلات در بخش کشاورزی در مقایسه با فعالان و کشاورزان، تولید کنندگان سایر بخشها همانند صنعت و خدمات به علت فصلی بودن تولیدات کشاورزی به میزان بیشتری با خطر و نااطمینانی ناشی از عوامل طبیعی و نوسانات قیمت فروش محصولات کشاورزی رو به رو هستند ولذا اغلب با مشکل عدم توانایی مالی برای بازپرداخت در موعد مقرر اقساط سررسیده خود مواجه می گردند (شادی طلب، ۱۳۷۲).

از آنجا که اغلب الگوهای تکنولوژیکی سرمایه بر وتأمین آن از عهده کشاورزان خرده پا خارج است، لذا به سرمایه خارج از مزرعه نیاز است تا تسهیلات لازم جهت تغییر فناوری فراهم شود. از این رو انتظار می رود که تسهیلات اعتباری مؤسسات رسمی وسیله مناسبی برای روند انتقال و تسریع توسعه کشاورزی باشد و به عنوان عاملی اساسی جهت مدرنیزه کردن و تطابق با فناوریهای جدید مورد استفاده قرار گیرد (Sial، ۱۹۹۱).

اعتبارات کشاورزی یکی از ابزارهای اصلی سیاستگزاری برای رشد تولید و استفاده از فناوری های نوین در توسعه کشاورزی بوده است. کشاورزان اعتبارات مورد نیاز خود را از نهادهای مالی مانند بانک ها و مؤسسات اعتباری، وام گرفته و پس از فروش محصول (طبق قرار منعقده) آن را بازپرداخت می کنند. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، دسترسی روستاییان به این اعتبارات با محدودیت هایی همراه می باشد. این مساله در نواحی محروم تر که فرصت های کمتری برای کسب درآمدهای غیرکشاورزی وجود دارد، حادثر است. بنابراین، وجود نهادها و مؤسسات مالی مناسب در روستاها یکی از لوازم اساسی توسعه ی اجتماعی، اقتصادی و فنی به حساب می آید. وجود چنین نهادها و موسساتی باعث بهبود شرایط زندگی در نواحی روستایی می شوند (نورث، ۱۹۹۳).

اعتبارات کشاورزی از انواع هدایت شده هستند که با هدف گسترش و رشد تولیدات کشاورزی و کارآفرینان برای سرمایه گذاری های جدید و یا پذیرش فناوری های جدید را فراهم می سازند (ککندر و فارکویی، ۲۰۰۳).

منابع مختلفی تامین کننده اعتبارات نظام بانکی است. در بیشتر کشورها این اعتبارات از دو منبع اصلی پس اندازها و بازپرداخت وامهای اعطا شده به کشاورزان تامین می شود. در کشورهای در حال توسعه اعتبارات تامین شده از طرف برخی از موسسه های اعتباری، بخش کشاورزی را بیش از سایر منابع، به این کمک ها (اعتبارات) وابسته کرده اند (ایران نژاد ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، بانک کشاورزی ۱۳۷۸، جابری ۱۳۷۲).

مهمترین منبع تامین اعتبارات کشاورزی کشور، عهده دار تامین منابع مالی مورد نیاز بخش کشاورزی با اهداف چندگانه افزایش تولید، تعدیل درآمدها، تسهیلات پذیرش فناوری جدید و جبران خسارات ناشی از حوادث غیرمترقبه و غیره است. در این باره، بانک کشاورزی همه ساله ۶۰ الی ۸۰ درصد اعتبارات نظام بانکی اختصاص یافته به این بخش را در اختیار متقاضیان زیربخش های مختلف آن قرار می دهد (گزارش عملکرد بانک کشاورزی، ۱۳۸۴).

بانک کشاورزی جهت تامین منابع مالی مورد نیاز خود برای اعطای وام به کشاورزان از وصولیه های اعتبارات پرداختی استفاده می کند. براساس آمار بانک کشاورزی، طی سالهای ۱۳۷۰ الی ۱۳۸۴ سهم وصول اقساط سررسیده تسهیلات اعطایی در تامین مالی بانک کشاورزی ۶۶ درصد بوده است که اهمیت این امر وصول مطالبات یا بازپرداخت وامها را در تامین منابع مالی بانک کشاورزی نشان می دهد (باقری و نجفی ۱۳۸۳، گزارش عملکرد بانک ۱۳۸۴).

۱-۱ جدول اعتبارات استان فارس:

تسهیلات (اعتبارات) پرداختی بانک کشاورزی در استان فارس	
مبلغ وام پرداختی	زیر بخش های کشاورزی
۱۱۸ هزار و ۲۲۷ میلیارد	بخش زراعت و باغبانی
۷۸ هزار و ۱۵۰ میلیارد	دامداری و دامپروری
۴ هزار و ۳۷۸ میلیارد	شیلات و آبزیان
۶۷ هزار و ۶۰۲ میلیارد	صنایع وابسته و خدمات کشاورزی
۳ هزار و ۸۰۲ میلیارد	صنایع دستی و قالی بافی
۲۸ هزار و ۲۶۳ میلیارد	به سایر بخش ها
۳۰۰ هزار میلیارد	مجموع اعتبارات پرداختی

بنابراین، با توجه به اهمیت اعتبارات در توسعه کشاورزی و این که هدف از وام دهی بخش رسمی، ایجاد یارانه برای کشاورزان خرده پاست، بررسی عوامل مؤثر بر دسترسی به اعتبارات اهمیت می یابد. در این تحقیق نیز با توجه به اینکه در استان فارس به علت وجود تنگناهای ساختاری و کمبود امکانات مالی مورد نیاز کشاورزان، مسائل مربوط به سرمایه و سرمایه گذاری اهمیت بیشتری دارد، عوامل مؤثر بر دسترسی به اعتبارات در این استان بررسی می شود.

## ۲-۱ اهداف

در تحقیق حاضر هدفهای زیر مورد توجه قرار می گیرد:

- بررسی وضعیت موجود توزیع اعتبارات در استان.
- شناسایی عوامل مؤثر بر دسترسی به اعتبارات در استان در قالب دو گروه وام گیرنده و غیر وام گیرنده.
- بررسی تأثیر اعتبارات در تولید کشاورزان استان در قالب دو گروه وام گیرنده و غیر وام گیرنده.

## ۳-۱ فرضیه ها

به منظور دست یابی به هدفهای فوق فرضیات زیر آزمون میشود:

- اعتبارات بر تولید اثر مثبت دارد.
- متغیرهایی از قبیل مقدار زمین، درآمد، دارایی، سن، سواد، سابقه زراعت و تعداد افراد خانوار، آموزشهای ترویجی، پس انداز کشاورز، فاصله کشاورز تا بانک دریافتی مؤثرند.
- کشاورزان وام گیرنده با کشاورزان غیر وام گیرنده در استفاده از نهاده ها متفاوت اند.